

معرفی چند موقوفه مجموعه تاریخی بسطام در دوره ایلخانیان

سید هادی میرآقایی

چکیده:

در مرکز شهر تاریخی بسطام، گنجینه‌ای از فرهنگ و تمدن ایران زمین از جمله: مسجد، مناره، گنبد و ایوان وجود دارد که تجلی فرهنگ و تاریخ ایران است. می‌توان با تحلیل و بررسی آنها، هویت فرهنگی و تاریخی شهر را تبیین کرد. مرقد و بارگاه ملکوتی محمد بن جعفر علیه السلام فرزند بلافصل حضرت امام جعفر صادق علیه السلام و آرامگاه بایزید بسطامی، عارف مشهور قرون دوم و سوم در این مجموعه تاریخی، همواره مورد توجه و اقبال زائران و مجاوران بوده است. حاکمان دوره‌های مختلف و هنرمندان گوناگون به ویژه در دوره ایلخانی توانسته‌اند آثار هنری و معماری باشکوه خلق کنند. اینک این مجموعه، نماد شهر بسطام است و از دیرباز افراد خیر و نیکوکار از هر گروهی، اشیاء و اجناس گران سنگ را برحسب مقتضیات زمان، وقف مجموعه مذکور کرده‌اند. این مقاله می‌کوشد با استناد به منابع مکتوب تاریخی و کتیبه‌ها، پنج مورد از آنها را در عصر ایلخانان مغول معرفی و بررسی کند.

کلید واژه‌ها:

بسطام، مجموعه تاریخی، ایلخانان، وقف، موقوفات.

مقدمه

با استناد به کتاب النور من الکلمات ابی طیفور، کهن ترین منبع در مقامات بایزید که سهلگی آن را بین سال‌های ۴۳۰ تا ۴۵۰ هـ.ق تألیف کرده، بایزید بسطامی، بنیانگذار مجموعه تاریخی بسطام است. زیرا در این مکان که پیش از حضور بایزید به وافدان (نام عرب ساکن در این مکان) مشهور بوده، بایزید به توسعه و گسترش مسجدی اقدام کرد که به نام او مشهور است. و می‌توان گفت هسته آغازین مجموعه به شمار می‌رود و ساخت و سازهای بعدی از سوی شمال، شمال شرقی و غرب، گسترش یافته‌اند. بعد از او منسوبان و مریدانش، هر کدام به فراخور موقعیت اجتماعی و فرهنگی، علاوه بر توسعه و گسترش مسجد بایزید به بازپیرایی بنا پرداختند. حاکمان دوره‌های مختلف تاریخی از آل بویه گرفته تا سلجوقیان که مناره و مسجدی که بنا کرده‌اند اکنون پابرجاست تا امیران و حکمران ایلخانی که به سبب ارادت به تصوف و عرفان، توسعه و بازپیرایی مجموعه

را وجهه همت خویش قرار دادند و آثار معماری چشمگیری را به یادگار گذاشتند.

مجموعه تاریخی بسطام در دوره ایلخانان

جامعه قرن هفتم ایران با ظهور مشایخ بزرگ تصوف و عرفان مانند عطار، همراه بود که نه تنها اقبال عمومی را در گرایش به تصوف افزایش می‌داد بلکه نفوذ اقوال ایشان را نیز تا حد زیادی تعمیق می‌بخشید. ایلخانان نیز از نظر سیاسی و اجتماعی، گرایش به این سمت داشتند تا با ابراز علاقه به تصوف و دیدار با بزرگان آن در جامعه ایرانی مقبولیت و مهم‌تر از همه مشروعیتی به دست آورند. غازان خان، یکی از پادشاهان ایلخانی، پس از آن که دین اسلام را پذیرفت به دیدار شیخ زاهد گیلانی رفت و پای او را بوسید و دخالت او را در امور سیاسی می‌پذیرفت و یا امیر چوپان به سبب احترامی که علاءالدوله سمنانی نزد ابوسعید دارد برای شفاعت نزد علاءالدوله شتافت.

به مجموعه تاریخی بسطام داشت و با دستور او محمدحسین دامغانی، معمار هنرمند با کمک برادرش حاجی و فرزندش محمد آثار ارزشمندی را بنا و بازپیرایی کردند که عبارتند از: تعمیر صومعه بایزید بسطامی، بنای آرامگاه محمد بن جعفر رضی الله عنه، دهلیز غربی با ایوان مقرنس کاری و دستور ساخت برج مقبره‌ای برای فرزندش که در مجموعه تاریخی بسطام برج مقبره‌ای در تاریخ ۷۰۸ ه.ق در مجاورت مسجد جامع ساخت.^۶

چند مورد وقفیات در دوره ایلخانان

۱. قرآن نفیسی

قدیمی ترین موقوفه مجموعه تاریخی بسطام که نگارنده با استقصا از منابع تاریخی به دست آورده، قرآن نفیسی است که به خط کوفی ایرانی کتابت شده است. این قرآن به آرامگاه ابی منصور شیرافروز بن بندار الخاص - که در مجموعه مزبور دفن

این نفوذ به حدی بود که حتی قاضی بیضاوی برای دستیابی به شغل قضا در دربار ایلخانان متوسل به شیخ محمد کججانی می شود.^۲

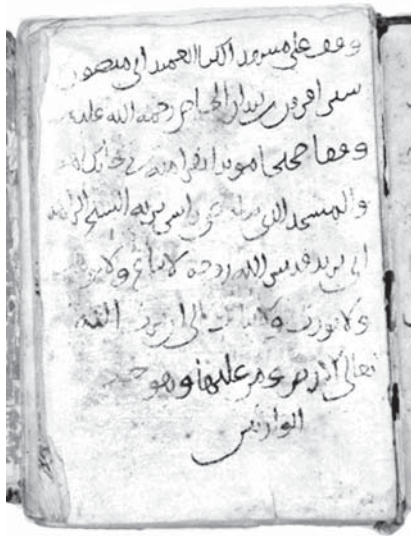
علاوه بر آن غازان خان به زیارت مزارات مختلف خراسان از جمله: ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی و بایزید بسطامی در بسطام که به نوشته حمدالله مستوفی آکنده از زیارتگاه بود رفت و برای بازسازی و توسعه آنها دستور تأمین بودجه داد.^۳ گنبد غازان خان و ایوان غربی از بناهایی است که به دستور او در مجموعه تاریخی بسطام ساخته‌اند.^۴

اولجایتو، برادر غازان خان نیز مانند برادرش، دل بستگی خاصی به عرفا به ویژه بایزید بسطامی داشت. او اغلب در رفت و برگشت سفرهایش در سرتاسر خراسان، برای زیارت قبر بایزید در بسطام توقف می کرد. همچنین سه تن از چهار پسرش را به احترام شیخ بایزید بسطامی، بایزید، بسطام و طیفور نامید.^۵ اولجایتو نسبت به برادرش غازان خان، توجه بیشتری

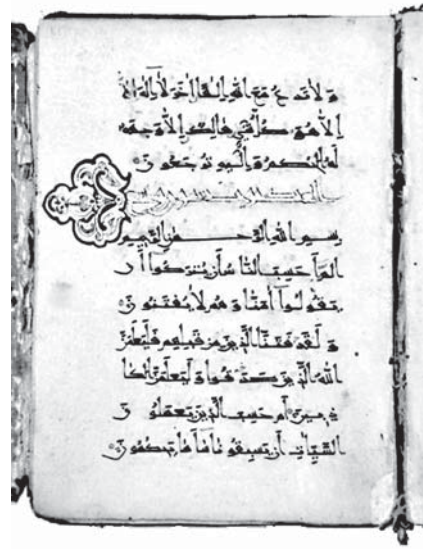
شده - وقف گردیده است. متأسفانه از ابی منصور شیرافروز اطلاعی در دست نیست. از لقب کیا و امید که در متن وقفنامه آمده، محتمل است او از امیران طبرستان یا مازندران باشد که مدتی حاکمیت شهر بسطام را بر عهده داشته باشد و در خلال حکمفرمایی، اقدامات عمرانی در این مجموعه تاریخی انجام داده است. زیرا در وقفنامه تصریح شده که بر تربت بایزید بسطامی خانقاه و مسجد بنا کرده است. متأسفانه وقفنامه بدون نام واقف و تاریخ است. ولی با توجه به نوع خط و شیوه نگارش آن و نیز شیوه کتابت قرآن، احتمالاً متعلق به قرن شش هجری است. این قرآن، هم‌اکنون با شماره ۴۳۰۵ در بخش اسلامی موزه ملی ایران نگهداری می‌شود و کهن‌ترین وقفنامه در میان قرآن‌های خطی این مجموعه است.^۷

متن وقفنامه بدین شرح است: «وقف علی مشهد الکیا العمید ابی منصور شیرافروز بن بندار الخاص - رحمه الله علیه و غفر له - وقف صحیحاً مویداً

یقرء منه خانکاهه والمسجد الذی بناه علی رأس تربت شیخ الزاهد ابی یزید البسطامی - قدس الله روحه - لایعار و لایباع و لایوهب و لایورث و لایتلف الیان یرث الله تعالی الارض و من علیها و هو خیر الوارثین»



ویژگی‌های دیگر این قرآن عبارتند از: قطع آن، بیاضی ۱۰/۵×۱۵ سانتی‌متر و کلاً ۱۹۱ صفحه دارد و ۱۱ اسطر در هر صفحه است. قرآن با آیه نسارع لهم فی الخیرات (آیه ۵۶ سوره مومنون) آغاز شده است.



۲. بقعه‌ای برای تدریس مصنفات رشیدالدین فضل‌الله همدانی و بیت‌الادویه

رشیدالدین فضل‌الله همدانی از جمله بزرگ‌ترین رجال ایران و وزرای معروف، بانی آثار جدید و مورخ کم نظیر در روزگار غازان خان و برادرش اولجایتو از مقرر صدارت و وزارت خویش یعنی تبریز با سیاست و حکمتی بی نظیر، امور دولت پهن‌آور ایلخانی را اداره می‌کرد. وی در دوران وزارت خویش، علاوه بر انجام مسئولیت‌های سیاسی، به تألیفات ارزشمندی چون جامع‌التواریخ دست

زد و بناهای عام‌المنفعه زیادی در ربیع رشیدی ساخت. از جمله: مسجد، دارالحفاظ، خانقاه، دارالمصاحف، بیت‌التعلیم، دارالضیافه و ... به گواهی منابع تاریخی، همچنین او دستور داد که وقفنامه‌ای به نام «الوقفیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرایط الامور الوقف والمصارف» در پنج نسخه بنویسند. متولی این وقف، خود رشیدالدین بود و پس از او سرپرستی را به فرزندانش محول نمود.^۸

محمدتقی دانش‌پژوه با استناد به کتاب وقفنامه رشیدی نوشته است: «او در شهرهای دیگر مانند یزد، همدان و بسطام، بنیادهای نیکوکارانه داشته است که هریک، وقفیه شرعی مسجل جداگانه داشته‌اند. گویا این وقفیه‌ها هم در ذیل وثیقه و قفیات جامع‌المبرات و فهرست‌الخیرات رشیدیه نوشته شده است».^۹

با مطالعه «الوقفیه الرشیدیه بخط الواقف فی بیان شرایط الامور الوقف والمصارف»، نکته مزبور تأیید می‌شود زیرا رشیدالدین در باب دوم فصل اول

کتاب به شرح املاک یزد و نواحی آن پرداخته که ۵۶۴ مورد زمین، باغ، کاروانسرا و غیره است که جزئیات آن، نوشته شده است. همچنین موقوفات مراغه، شیراز و موصل در ادامه، نوشته شده است.

یکی از شهرهای دیگری که رشیدالدین فضل الله همدانی دستور بنای وقفی داده است، شهر تاریخی بسطام است. وی دستور داد در این شهر بقعه‌ای بنا کند تا مصنفات خودش در این مکان، تدریس شود. ضمناً بیت‌الادویه نیز دایر شود که وقفیه جداگانه‌ای داشته باشد و در ذیل وثیقه و ققیات جامع المبرات و فهرست الخیرات رشیدیه، نوشته شود. همدانی در کتاب مزبور، این گونه تصریح کرده است: «در شهر بسطام، نیز جهت تدریس این مصنفات خاصه، بقعه‌ای ساخته شده که آن علی حده است و بعضی شروط آن بر وجهی دیگر. و بیت‌الادویه نیز در آن داخل و وقفیه آن، جداگانه و در ذیل وثیقه و ققیات جامع المبرات و فهرست الخیرات

رشیدی نیز نوشته شده تا معلوم باشد که در این مواضع، آن مقدار که خلاصه مقصود است بر سبیل ایجاز و اجمال نوشته می‌شود تا کیفیت وجه اشتغال در آن، مجملاً معلوم گردد و بر سبیل تفصیل از مطالعه آن نسخت به وقوف پیوند^۱»

خانم شیلا بلر که در مقاله‌ای ممتع، به تحلیل وقفنامه رشیدی پرداخته، در باره کتابت و تدریس مصنفات همدانی و ارسال آن به شهرهای مختلف از جمله بسطام، نوشته است: «رشیدالدین، علاوه بر قرائت قرآن، مقرر کرده بود که قرآن و کتاب‌های دینی دیگر را استنساخ کنند. در ذیل متن اصلی وقفنامه، حاشیه‌ای است (ش ۲۳۷-۲۵۲) که متولی را به سفارش کتابت سالیانه، دو کتاب (یکی به عربی و دیگری به فارسی) از آثار خود رشیدالدین موظف می‌کند از جمله: مجموعه الرشیدیه و جامع التواریخ. خصوصیات این نسخه‌ها مشابه نسخه‌های مربوط به کتابت مصحف و حدیث است: کاغذ مرغوب بغدادی،

خط نیکو، مقابله دقیق با نسخه اصل در کتابخانه ربع رشیدی، جلد چرمی. متولی باید کاتبانی را برمی‌گزید که بتوانند کار را در ظرف یک سال تمام کنند و پس از ثبت در محکمه تبریز به شهرهای گوناگون می‌فرستادند. چنین متونی را نیز برای شهر بسطام تهیه کرده بودند اما بقعه آنجا یک داروخانه (بیت‌الادویه) وقفنامه‌ای جدا داشت^{۱۱}».

در همین وقفنامه دستور داده که آثار او را که نه پاره است در هفت قسم و در جدولی نهاده است، هر ساله بر کاغذی بسیار نیکو به قطع حال بزرگ بغدادی به خط پاک درست مذهب بنویسند و با مجلدی ادیم نگاه دارند^{۱۲}.

همدانی جزییات آن را این گونه شرح داده است: «و آن چنان است که تمام مصنفات خود را که نه پاره کتاب است، به هفت قسم، معین کرده بر جدولی نهاده‌ام بر وضعی که هر سال در سه موضع از آن مواضع بیست‌گانه به هر موضعی، قسمی از آن اقسام هفت‌گانه به درس گویند و

به املا نویسند. هر روز مقدار پانصد کلمه، تقریباً چنان که در مدت هفت سال در همه آن مواضع به هر موضعی، تمام اقسام مصنفات مذکوره را به درس گفته باشند و به املا نوشته^{۱۳}».

منزلت علمی و دانش رشیدالدین همدانی در سطر سطر وقفنامه مشخص است. وی روش تدریس کتب مزبور را در مجموعه تاریخی بسطام مشخص کرده و این گونه نوشته است: «و مقرر چنان است از کتابی، یک نسخه عربی، مدرس بر پنج متعلم املا کند و یک نسخه پارسی معید بر پنج متعلم و هریک از آن متعلمان، نسخه‌ای که نویسد ملک او باشد و کاغذ و مایحتاج آن معین^{۱۴}».

۳. وقف دو جلد از سی جلد قرآن مراغه، مربوط به دوره ایلخانی

یکی از دوره‌های درخشان تاریخ کتابت قرآن، دوره ایلخانی بود که منجر به تکامل هنر خوشنویسی و تذهیب و همچنین سرمشق نمونه‌های متاخر

خود شد. در آغاز قرن هشتم، حاکمان ایلخانی با تأسیس کارگاه‌های سلطنتی و تولید کتاب‌هایی با قطع بزرگ از هنر کتاب‌آرایی حمایت کردند. پیشتر از این ذکر شد که خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی، مهم‌ترین کارگاه سلطنتی در طول دوران ایلخانی را در ربیع رشیدی تأسیس کرد. و اینک آثار مکتوب بسیار

ارزشمندی از ربیع رشیدی برجای مانده است. در دو دهه آغازین قرن هشتم، مجموعه‌هایی از قرآن‌های سی جلدی به فرمان اولجایتو کتابت شد که هر جلد، شامل یک جزء قرآن بود و معمولا وقف مساجد یا زیارتگاه‌ها می‌شدند. سی جزء به‌طور جداگانه با چرم بز مرغوب صحافی می‌شد که هر کدام از آنها روزانه با صدای بلند تلاوت می‌شد^{۱۵}.

از جمله مهم‌ترین مجموعه‌های سی جلدی قرآن عبارتند از:

۱- قرآنی که احمد بن سهروردی بین سال‌های ۷۰۱-۷۰۷/ق ۱۳۰۲-۱۳۰۸م در بغداد کتابت و محمد بن ایبک آن را تذهیب کرده است.

۲- قرآنی که علی بن محمد علوی حسینی بین سال‌های ۷۰۶-۷۱۰/ق ۱۳۰۷-۱۳۱۱م در موصل برای اولجایتو و وزیرانش رشیدالدین و سعدالدین با اندازه‌ای در حدود ۴۰×۵۷ سانتی‌متر کتابت کرد^{۱۶}.

۳- قرآن مراغه که مورد بحث ما است.

عبدالله بن احمد بن فضل‌الله بن عبدالحمید قاضی قزوینی یکی از کاتبان هنرمند قرآن در بین شوال ۷۳۸ تا ۷۳۹ق (آوریل ۱۳۳۸ تا آوریل ۱۳۳۹م) این سی جلد قرآن را در زمان ایلخانیان در مراغه کتابت کرد و انتشار داد.

شیلا بلر در مقاله‌ای با عنوان «قرآن ایلخانی: نمونه موردی قرآن مراغه» به زبان انگلیسی به معرفی و توصیف آن پرداخته که نگارنده قسمتی از آن مقاله را ترجمه کرده است:

هر یک از ۳۰ جلد تقریبا در ابعاد ۳۲×۲۳ هستند و تقریبا ۲۲ برگ بزرگ دارند. صفحه اول با یک گل‌بوته بزرگ طلایی و به رنگ‌های روشن، تیره، آبی و سفید است که با رنگ‌های سبز، قرمز

و رنگ‌های دیگر تزیین شده است. این نسخه مانند بسیاری از نسخه‌های خطی قرآن، شامل ۳۰ جلد است که ۲۶ جلد از آنها باقی مانده است. یکی در کتابخانه چسترییتی دوبلین (ش ۱۴۷۰) و دو مورد در موزه هنرهای زیبای بوستون و ۲۳ جلد در موزه قوم‌شناسی آنکارا نگهداری می‌شود (ش ۱۰۱۱۵-۱۰۱۳۷) ۱۷.

تزیین قرآن‌ها

بلر که اکثر قرآن‌های مزبور را از نزدیک مشاهده کرده و بسیار دقیق آنها را مورد مطالعه قرار داده است، درباره شیوه و نوع تزیین قرآن‌ها نوشته است: «جلدهای تکی، جلد چرمی دارند و بر پشت و روی جلد با دایره‌های بزرگ و پرهای مرغ تزیین شده‌اند. بیشتر این تزیینات با ابزار مخفی انجام شده و گاهی نیز با طلا تزیین شده‌اند. صفحه آغازین به دنبال یک صفحه دوجانبه گسترده می‌آید که با همان رنگ‌ها، تزیین زیادی شده‌اند. در تعداد معدودی از این ۳۰ جلد (جزء‌ها)، سرفصل‌ها در

بالا و پایین با رنگ سفید و سبک‌های زیبا با خط کوفی شماره جلد (جزء) و متنی بدین شرح آمده است: و این کلام خداوند جهانیان است. متون واقع در سرفصل‌ها، با مجموعه‌ای از نقاشی‌ها بر روی زمینه آبی تیره، طلای خالص، نقوش عربی-اسلامی و کتیبه‌ها همراه شده است و با دایره‌های طلایی با گل‌بوته‌ها یا نخل‌ها تزیین شده‌اند. حاشیه‌های سرفصل، به علت محدودیت، فقط برای نوشتن سه خط معمولی جا دارند که با نوارهای تیره بر روی زمینه مفاهیم، گل‌بوته با موج چینی قرار گرفته‌اند. هریک از برگ‌های بزرگ متون معمولی در مقام مقایسه، هفت خط نسخ دارند که با جوهر سیاه نوشته شده است. علائم وقف اغلب با حروف تکی مشخص شده که به رنگ قرمز در بالای خط نوشته شده‌اند. عاملی که قرآن مراغه را از نظر تاریخی تا این حد مهم نشان می‌دهد رنگ آمیزی‌ها در پایان هر جلد است. این تزیینات با همان جوهر و خط و همانند بقیه متن انجام شده‌اند.

با این که یک نسخه غیررسمی تر برای نشان دادن این نکته وجود دارد که این اطلاعات، بخشی از آیات وحی نیستند و با شکل دیگری تزیین شده‌اند که با استفاده از همان رنگ‌ها و سبک تزیینی انجام شده‌اند. این عوامل نشان می‌دهد که رنگ آمیزی‌ها باید هماهنگ با متن باشند. آنها اسم کامل خطاط را ارائه می‌دهند (عبدالله بن احمد بن فضل‌الله بن عبدالحمید قاضی قزوینی) و مکان کتابت آن (شهر مراغه) و تاریخ‌های تکمیل هر جلد قید گردیده است. تمام این اطلاعات - که به صورت ظاهری و نوشتاری هستند - این نسخه را به یکی از کامل‌ترین و مستندترین قرآن‌های ۳۰ جلدی باقیمانده از دوره ایلخانی تبدیل کرده است.^{۱۸}»

زمان و مکان کتابت

شیلا بلر درباره زمان کتابت قرآن مراغه و معرفی کاتب این گونه توضیح داده است: «تاریخ نسخه‌های موجود این نوع قرآن از شوال ۷۳۸ تا شوال ۷۳۹ق (آوریل ۱۳۳۸ تا آوریل ۱۳۳۹م)

است. بنابراین کتابت این نسخه، حداقل سیزده ماه زمان برده است. یعنی مقداری که در یک مقیاس میانگین سه جلد در ماه یا دو نیمه صفحه در یک روز.

خوشنویس قرآن مراغه، عبدالله بن احمد بن فضل‌الله بن عبدالحمید موفق نشد که پایان حرفه‌ای را برای این معیار داشته باشد. نام او در متون معاصر ذکر نشده است که به توضیح شش نفر از پیروان یاقوت از جمله احمد سهروردی و ارغون کامیلی می‌پردازد. ولی اسناد و مدارک بیانگر این هستند که او یک قاضی اهل قزوین بود که ساکن مراغه شده بود. مهم‌ترین نکته قابل ذکر درباره او، سن وی است. در اسناد مربوطه، او تصریح می‌کند که ۷۷ یا ۷۸ سال داشته است و بنابراین در سال ۶۶۱ق/۱۲۶۲م متولد شده است. درباره نحوه نوشتن او می‌توان گفت که وی یک خطاط حرفه‌ای نبوده است و گاهی یک کلمه یا یک عبارت را از قلم انداخته است. که در بالای صفحه یا در حاشیه ذکر شده است. با این وجود او

نوشتن حروف کوفی جدید به رنگ سفید استفاده کرده است. از دیگر جنبه‌های عالی تزئینی این قرآن، یک نوار باریک از نقطه‌های سیاه و سفید است که باعث جداسازی حاشیه‌های متفاوت تذهیب می‌گردد. این نوع تزئین، همچنین به گونه‌ای ترکیب می‌شود تا موجب ایجاد گل‌بوته‌ها و زاویه‌ها شود و بنابراین در گل‌بوته ابتدایی، این تزئین، باعث جداسازی دایره مرکزی و حاشیه‌های بیرونی می‌گردد. همچنین گاهی تذهیب‌گر از یک نوار طلایی استفاده کرده است. به‌طوری که در جلد سیزدهم در جایی که به طراحی زمینه سبز رنگ مشخص، عنوان فصل ۱۳ اقدام شده است می‌توان این نکته را مشاهده کرد. (سوره رعد)

بدین ترتیب قرآن مراغه، بخشی از مجموعه‌ای از نسخه‌های خطی ۳۰ جلدی معاصر است و بنابراین بسیاری از این نسخه‌های خطی بزرگ مورد نیاز بودند تا منطبق با یادبود آرامگاه‌ها و توسعه معابد و زیارتگاه‌هایی باشند

که در این زمان اتفاق افتاد. بزرگ‌ترین نسخه خطی در میان تمامی نسخه‌هایی که کتابت بیهموس بوده برای سلطان اولجایتو بود و به آرامگاه او در سلطانیه اهدا شد. بنا بر اعطای سند برای مجموعه آرامگاه رشیدالدین در خارج از تبریز یعنی ربع رشیدی، وزیر وقت دستور تهیه کتابت سالانه قرآن ۳۰ جلدی را داد که یک مجموعه ساخته شده در زیر بنای معبد پیوس پرهیزگار در همدان در سال ۷۱۵ق/ ۱۳۱۵م است که مناسب با سبک و روش باشکوه ایلخانی است.

اهمیت کاغذ برای چنین بناهای مذهبی از اسناد واگذاری باقیمانده مشخص می‌شود و عوایدی از یک فروشگاه کاغذ (دکان کاغذ)، بخشی از وقفنامه میرجانیا است که میرجان در مراسم تدفین در مجموعه مسجد و مدرسه ساخته شده در بغداد در سال ۷۵۸ق/ ۱۳۵۷م پیدا کرد. او یک غلام بود که سلطان اولجایتو او را آزاد کرد و بعدا حاکم شهر شد.^{۲۰}

وقف قرآن به خانقاه و آرامگاه‌ها

بسیاری از نسخه‌های خطی قرآن در این دوره مرتبط با آناتولی هستند و به نظر می‌رسد این منطقه محلی بوده که تغییر دین و مذهب مغولان و ایلخانیان در اینجا واقع شده و قبل از هر نقطه دیگری بوده است. صوفی‌ها نقش خاصی در این تغییر مذهب داشتند و صومعه و خانقاه‌های آنها زیاد شد و تبدیل به شهرهای کوچک خدا گردید. با تغییر مذهب امیران مغول در اواخر قرن سیزدهم میلادی و تغییر مذهب رسمی کشور تحت حکومت غازان خان در ۶۹۵ق/۱۲۹۵م این تغییرات جدید ممکن است دستور چنین کتابت‌هایی را به‌عنوان هدایایی به این زیارتگاه‌ها سبب شده باشد. کتابت قرآن همراه با تزئینات باشکوهی بود که معمولاً وقف این معابد و زیارتگاه‌ها می‌شد. برای نمونه امیر ایلخانی به‌نام کریم‌الدین شغانی در سال ۷۰۸ق/۱۳۰۸م یک شمعدانی بزرگ نقره‌ای را وقف کرد که در حال حاضر در موزه هنرهای زیبای

بوستون نگهداری می‌شود. همانند دو جلد از قرآن مراغه که وقف آرامگاه بایزید بسطامی گردیده است.^{۲۱}

۴. شمعدانی فلزی

سابقه ساخت و استفاده از شمعدان به‌عنوان وسیله‌ای برای روشنایی به گذشته‌های دور برمی‌گردد. قدیمی‌ترین شمعدانی سفالی، متعلق به اوایل هزاره ششم قبل از میلاد است که حدود ۴۰ سانتی‌متر ارتفاع دارد و در موزه ایران نگهداری می‌شود.^{۲۲} در دوره‌های بعد، از شمعدان، علاوه بر وسیله روشنایی به‌عنوان بخوردان، بخورسوز و آتشدان استفاده می‌شده است. با شروع دوران اسلامی و همراه با گسترش سریع اماکن مذهبی و غیرمذهبی و به‌استناد شمعدان‌های باقی مانده از سده‌های نخستین، به نظر می‌رسد که ساخت انواع شمعدان‌های فلزی از رونق بیشتری برخوردار بوده است.

یکی دیگر از موقوفه‌های مجموعه تاریخی بسطام، شمعدان زیبایی است که در دوره ایلخانی به آرامگاه بایزید

بسطامی اهدا شده است.

ویژگی های شمعدانی

این شمعدانی یکی از بزرگ ترین شمعدانی هایی است که در دوره ایلخانان برای تعبیه در کف اتاق در ایران تولید شده است. اندازه قد آن ۳۲ تا ۳۲/۵ سانتی متر می باشد که متاسفانه سرپیچ و گردن آن گم شده است. در بخش فوقانی و تحتانی پایه مخروطی و بی سر آن زنجیره ای از نقوش گیاهی نقش بسته و بخش اعظم نقره کوبی آن محو شده است. برای نخستین بار، پروفیسور پوپ، بسیار مختصر، این شمعدانی را با درج تصویری از آن در سال ۱۹۴۵م این گونه معرفی کرده است: « پایه شمعدانی برنجی، قلمزده با نقره کاری، ارتفاع ۳۳ سانتی متر در تاریخ ۸۰۷ق ۲۳»

وی درباره انتخاب جنس برنج برای شمعدانی نوشته است: « رنگ برنج از قهوه ای سیر تا طلایی زرد روشن متفاوت بود. و چون شرعا استعمال ظرف های طلا ممنوع بود این فلز هم

مشتریان را از ارتکاب گنه باز می داشت و هم حس تجمل پرستی ایشان را راضی می کرد. سطح هموار که به وسیله قیر سیاه می شد اثر نقره کوبی را می افزود و اگر چه رنگ برنج را می پوشاند، جلوه نقره را بیشتر می کرد^{۲۴}».

شیلا بلر یکی دیگر از محققانی است که در دو اثر خود تا حد مطلوبی، این شمعدانی را معرفی کرده است. وی درباره ویژگی های ظاهری آن، نوشته است: « بدنه آن دربردارنده چهار شمسه مرصع کاری شده و طرح های گیاهی در چهار قاب کتیبه ای و یک کتیبه دلنواز است. این شمعدانی از جهاتی دیگر ساده و معمولی است. قاب های کتیبه ای و اسلیمی ترکیبی آن در یک زمینه ساده، یادآور تزیین منقوش داخل آرامگاه اولجایتو در سلطانیه است و تالی آن را می توان در نگارگری نسخه های خطی این دوره پیگیری کرد. حضور نقش مایه شقایق پُر پر و گل نیلوفر بر روی شمعدانی نشان دهنده رابطه نزدیک سیاسی و بازرگانی ایلخانان با دوره یوآن چین

معرفی واقف و زمان وقف

کریم‌الدین شغانی وزیر اولجایتو (متوفی ۷۱۶ق)، این شمعدانی را در سال ۷۰۸ق/۱۳۰۸-۱۳۰۹م به آرامگاه بایزید بسطامی اهدا کرده است و در حال حاضر در موزه شهر بوستون آمریکا نگهداری می‌شود.

نام واقف، تاریخ و مکان وقف بر روی بدنه شمعدانی در چهار کتیبه پر از نقش‌های گوناگون بدین صورت نوشته شده است: «وقف کرد بنده گناهکار کریم شغانی / بر روضه مبارک سلطان المشایخ سلطان / ابویزید قدس الله روحه و نورضریحه / فی بعض شهور سنه ثمان و سبعمائنه



ملکیان در مقاله‌ای به زبان انگلیسی به معرفی این شمعدانی پرداخته است. وی درباره نام و نام خانوادگی واقف

است و این مسأله موجب رویکرد هنرمندان ایرانی به هنر دوره یوآن چین شده است. با این‌که جای تولید این شمعدانی معلوم نیست، کیفیت بالایی ساخت آن حاکی از حمایت صاحب‌منصبی در ساخت آن است و به احتمال زیاد در تبریز پایتخت امپراتوری تولید شده است.^{۲۵}

پوپ درمورد عدم استفاده از نقوش پیکر انسانی روی شمعدان، دلایل متقنی را ذکر می‌کند که تا حدی معقول و منطقی است. او معتقد است «شک نیست که نهی اسلام از تصویر و تمثیل نقوش جاندار، نتیجه نفرت و بیم از اعاده بت‌پرستی بود. از جانب دیگر، نقش پیکر اسلامی، روی شمعدان مسجد، به راستی کفرآمیز بود اما اینجا زمینه مناسبی برای طرح‌های اسلیمی وجود داشت. این شیوه در این زمان به اوج تکامل خود رسیده بود و نمونه آن پایه شمعدان بزرگی است که تاریخ ساخت (۷۰۸ق) بر آن نقش بسته است.^{۲۶}»

نوشته است: « نام کریم در آن دوره به سختی وجود داشت. این نام، شکل اختصاری کریم‌الدین است که تقریباً در آن زمان کمیاب بوده است. تمام این عناوین، نسبت شغانی است که به وضوح تلفظ می‌شود و شامل نشانه تفکیک‌کننده بر روی ش و غ است. شغان یک روستا در مسیر خراسان به بسطام است.^{۲۷}»



Fig. 7



نخستین جهانگردی که - تا آنجا که نگارنده جست‌وجو کرد- از روستای شغان نام برده، ابودلف خزرچی است. وی که بین سال‌های ۳۳۱ تا ۳۴۱ ق به مسافرت پرداخته، بدین گونه از شغان نام برده است: « از جرجان به دشت خوارزم رفتم. دشت خوارزم به دهستان‌های نیشابور، همچنین به قصبه‌ای به نام شغان متصل است.^{۲۸}»



Fig. 8



مترجم سفرنامه، موقعیت جغرافیایی این روستا را تعیین کرده و نوشته است: «ابودلف با مسافت از جرجان به نیشابور می‌بایستی دامنه شمالی کوه‌های خراسان را (که دشت باصفا و سرسبزی به سوی شمال است و او آنجا را به ناروا دشت خوارزم نامیده) دنبال می‌نمود. این روستا هم‌اکنون در ۱۲ فرسخی شمال شرق جاجرم و ۹ فرسخی جنوب غرب بجنورد و در شمال سنخواست قرار دارد. تلفظ امروزی شغان، شوقان است»^{۲۹}.

ملکیان درباره نام کریم‌الدین هم این چنین توضیح داده است: «نام کریم، همراه با پسوند شغانی، دارای شکل آشنای سنتی در نظر گرفته شده برای مردان ادیب است و با کوتاه کردن لقب آنها قبل از نسبت آنها می‌آید: جمال اصفهانی، کمال خجندی، فخررازی»^{۳۰}. تنها منبعی که نامی از کریم‌الدین برده، تاریخ اولجایتو است. وی از نزدیکان سعدالدین ساوجی وزیر اولجایتو بود. وقتی که در سال ۷۱۱ق ساوجی با حسادت و دسیسه رقیبش،

تاج‌الدین علیشاه گیلانی به قتل رسید، کریم‌الدین به همراه چهار نفر دیگر نیز به دستور اولجایتو به قتل رسیدند. قاشانی نوشته است: «فرمان قضا نفاذ پادشاه جزم شد تا روز سه‌شنبه دهم شوال سنه احدی عشر و سبعمائه، وقت عصر دستور سعدالدین وزیر را به دست دو سه عفریت جلاد و زبانیه دوزخ دادند و مقبوض چنگال نکال دیوان مثال کرد، و حقوق سابق به کلی مرفوض، تا به تیغی چون قطره آب و شعله آتش و لمعه برق و خیال هوا آن دستور بی نظیر را شهید کردند. و بعد از او پنج نفر نوکر مقرب خاصگی او را، چون مبارکشاه ساوی، زین‌العابدین ماستری، ناصرالدین یحیی، پسر جلال‌الدین طری، داوود شاه نیکو اخلاق و کریم‌الدین را یک‌یک می‌آوردند و شهید می‌کردند. چنان‌که هیچ یک از حال دیگری خبر نداشتند»^{۳۱}.

با این که از کریم‌الدین شغانی، اطلاعات زیادی به دست نیامد از شرح حال زین‌الدین ماستری که

نایب سعدالدین وزیر بود و اقدامات او در بناهای تاریخی نطنز، معروف و مکتوب است^{۳۲} چنین برمی آید که شغانی در ساختار حکومت ایلخانی از مقام و منزلت بالایی بهره‌مند بود و گرایش‌ها و تمایلات صوفیانه داشته است که شمعدانی مزبور را به آرامگاه بایزید بسطامی وقف کرده است.

۵. مسجد جامع بسطام

در جنوب مجموعه تاریخی بسطام، مسجد جامع قرار دارد و از تاریخ دقیق یا احتمالی مسجد اطلاعی در دست نیست. پژوهشگران دستور ساخت آن را به غازان خان، بین سال‌های ۷۰۰ تا ۷۰۶ هجری نسبت می‌دهند. مسجد مزبور، شامل صحن مستطیل شکل به ابعاد ۱۷×۱۸/۵ متر می‌باشد که در سمت شرق و شمال آن در شبستان و در دو طرف دیگر، راهرو و دهنه واقعه شده است. به طور کلی، ساختمان مسجد جامع از دو شبستان عمود بر هم تشکیل می‌شود و بر روی ضلع سوم نیز قبلاً ایوان‌های سرپوشیده‌ای

وجود داشته است. لازم به تذکر است که صحن مسجد غیرحقیقی بوده و به علت ویران شدن سقف مسجد اولیه آن به وجود آمده است.

شبستان شمالی که به شبستان زمستانی نیز معروف است دارای ده ستون مربع شکل با زوایای بریده و سقف ساده آجری است. در دیوارهای دهنه‌های پنج‌گانه، فرورفتگی کم‌عمقی با طاق نیم‌دایره به چشم می‌خورد. شبستان شرقی که وسیع‌تر و بزرگ‌تر از شبستان زمستانی است به شبستان تابستانی مرسوم است. در ورودی برج کاشانه در کنار محراب این شبستان قرار دارد و بر سردر آن، تاریخ نیمه ماه شوال سال ۷۰۰ هجری و نام محمد بن احمد سمنانی و بر طرفین در تزیینات گچ‌بری دیده می‌شود^{۳۳}.

اعتمادالسلطنه که در سفر دوم ناصرالدین شاه به خراسان (۱۳۰۰ق) به همراه وی بوده به بسطام رفته و آثار تاریخی بسطام را مشاهده کرده، توضیحات مفیدی را ارائه داده است. وی مسجد جامع را چنین توصیف

کرده است: «... ابنیه عتیقه بسطام، بنای مسجد جامع این بلد و گنبدی است که آن را کاشانه می‌نامند، اما مسجد، صحن آن مربع و پانزده ذرع در پانزده ذرع است. دو صفه شبیه به چهل ستون دارد. یکی تابستانی و دیگری زمستانی که هر یک دارای ده ستون و پایه مربع از گچ و آجر است، سقف این دو صفه نیز از گچ و آجر زده شده، یکی در طرف شرقی مسجد و یکی در سمت شمالی آن است و در طرف جنوبی و غربی هر یک پنج صفه کوچک دارد که هر یک را یک ستون و یک پایه است. صفه وسط طرف جنوب محرابی دارد. موضع گچ‌بری‌های قدیم منبت و بعضی خطوط ثلث در آن نوشته شده و چون در عهد خاقان مغفور فتحعلی شاه طاب ثراه در حکومت شاهزاده الله‌وردی میرزا این مسجد را تعمیر کرده‌اند، اسم خاقان خلد آشیان نیز در بالای محراب مزبور کتیبه شده و کتیبه قدیم نیز برقرار خود می‌باشد»^{۳۴}.

محراب مسجد به شکل مستطیل - مربع است و تقریباً تمامی فضای داخل

ایوان اصلی مسجد جامع را فرا گرفته است و دارای دو ستون گچ‌بری شده با سرستون‌های گلدانی شکل، توأم با طرح‌های هندسی آمیخته با گلبرگ به صورت برجسته، تزیین گردیده است. بر روی ستون‌ها، قوسی جناغی تعبیه شده که محراب را در زمره محراب‌های یک طاق نمایی عصر ایلخانی قرار می‌دهد. بر روی پیشانی قوس، یک کتیبه نواری به خط ثلث از آیات قرآنی نوشته و گچ‌بری شده است.

در روی ستون‌های محراب در فضای زیر سرستون گلدانی، کلماتی که با خط ثلث نوشته شده قرار دارد. در روی ستون سمت راست واژه «الملک» و در روی ستون سمت چپ واژه «الله» به خط ثلث، گچ‌بری شده است. همین کلمات به خط کوفی در داخل محراب گچ‌بری شده است. در زیر فضای قوس محراب، تزییناتی به صورت مشبک با طرح گلبرگ و اسلیمی و ختایی وجود دارد. این طرح با توجه به مرکز آن، یادآور شکل فروهر منتهی به شکل

خاص ظهور یافته است. این موضوع سابقه طولانی در هنر ایرانی دارد، ولی به نظر می‌رسد که مهندس محمد بن حسین دامغانی آن را با گنبرگ‌های اسلیمی ایران در دوره اسلامی ترکیبی زیبا بخشیده است. به‌ویژه با عطف توجه به طرح مرکزی آن که بیانگر نوعی وحدت و ارتباط با سایر طرح‌های اسلیمی و ختایی مشبک دارد که شاید در نوع خود کم‌نظیر باشد^{۳۵}. محراب نیز از ساخت‌ها و هنر محمد بن حسین دامغانی است. محراب مسجد دارای سه حاشیه است:

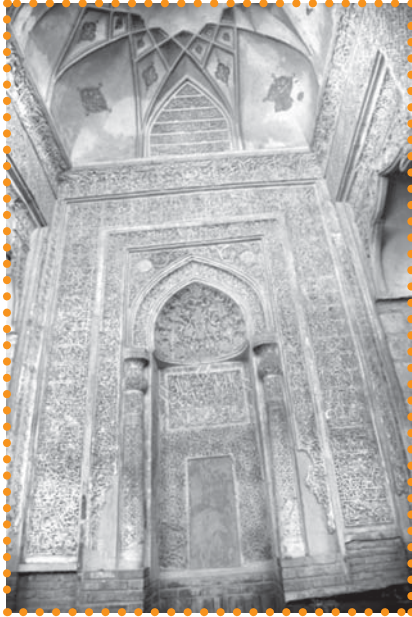
۱. حاشیه پهن که با خط کوفی حاوی آیه‌های: ﴿إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا * لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيَتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا * وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا * هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيُزَادُوا﴾ (آیات ۱ تا اواسط آیه ۴ سوره فتح) است.

زارعی درباره این کتیبه، چنین اظهار نظر کرده است: «زیباترین کتیبه‌ای که در مجموعه بسطام و مسجد

جامع، کار شده است، کتیبه خط کوفی حاشیه محراب است که با گچ ساخته شده و به جرأت می‌توان گفت که یکی از شاهکارهای تزیینات معماری است. این کتیبه که از نوع خطوط کوفی تزیینی گنبرگ‌دار محسوب می‌گردد، در نهایت زیبایی ساخته شده است^{۳۶}.
۲. حاشیه دوم محراب که در کنار کتیبه خط کوفی و به موازات آن گچ‌بری شده و به خط ثلث است. آیات زیر، سمت راست و بالا و چپ محراب را فرا گرفته است: ﴿إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنِ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَن يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ * أَجَعَلْتُم سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ﴾ (آیات ۱۸ و قسمتی از ۱۹ سوره توبه)

بر قوس پیشانی محراب آیه ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ

هذه العماره الشریفه الذی هو متولياً
لهذه البقعه المنیفه باذن الواقفین مدالله
ظلمهم و تقبل منهم، الفقیر الی الله الغنی
ابویزید بن محمد بایزیدی غفرالله له
ولوالدیه و للمومنین و المومنات فی
شهور سنة ستة و سبعمائیه.» (۷۰۶)



زارعی دربارہ واقفین مسجد نکتہ
دقیقی را نوشته که قابل تامل است. وی
نوشته: «در کتیبه‌های فوق، چند نکته
مهم و اساسی وجود دارد: نخست،
اشاره واضح به جامع بودن این بنا
در بسطام، دوم، این مسجد واقفینی
داشته است و یا به نظر می‌رسد که

ذِکْرَى لِلذَّاكِرِينَ» (آیه ۱۱۴ سوره
هود) با قلم ثلث، نوشته شده است.
و کتیبه‌ای به قلم ثلث به صورت
نواری با عرض ۳۰ سانتی متر از
ابتدای ضلع غربی داخل ایوان بر
روی درگاه ارتباطی با طاق دالبر
تیزه دار شروع و ادامه آن در بالای
محراب و همچینین، ضلع شرقی
داخل ایوان و تاروی درگاه ارتباطی
دیگر، ادامه می‌یابد که حاوی آیه‌های
﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ
مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ
وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ
تَعْلَمُونَ﴾ فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا
فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ
وَأذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾
(آیه‌های ۱۸ و ۱۹ سوره جمعه)
می‌باشد.

واقفین مسجد جامع در دوره

ایلخانی

بر پیشانی درگاه‌های ارتباطی دو
سوی دهانه مرکزی نام بانی و تاریخ بنا
در دو قاب مستطیل نوشته شده: «امر

موقوفاتی توسط ابویزید بن محمد مسعود البایزیدی وقف مسجد جامع بسطام شده باشد. چنانچه «ین» را در عربی از علائم مثنی بدانیم، در واقع، وقف کنندگان، دو نفر بوده‌اند و اگر علامت جمع باشد، در حقیقت، تعداد آنها باید بیشتر باشد. ولی نام یک نفر بیشتر نیامده است. به نظر می‌رسد که نام شخصی که در کتیبه به او اشاره شده است، به لحاظ مذهبی و سیاسی از شخصیت‌های مهم منطقه بوده، و شاید از متولیان مجموعه باشد؛ چون با نام «محمد بن فضل الله بایزیدی» که در کتیبه دالان ایوان شرقی مجموعه بایزید بسطامی آمده است، نسبت‌هایی دیده می‌شود و فرد اخیر، عنوان ناصح ملوک را داشته است. به هر صورت، نسبت بایزیدی (نام خانوادگی) که در پایان نام واقف آمده، خود بیانگر نکات دیگری هم است و آن اهمیت و ارزش صوفیان و بزرگان مذهبی در این دوره زمانی است و حتی به نظر می‌رسد که وی احداث برج و مسجد را در جوار هم، مذهبی توجیه نموده است. هر

چند نمی‌دانیم که دقیقاً هدف وی از این کار دقیقاً چه بوده است، لیکن بر اساس همین کتیبه‌ها می‌توان با بخشی از نیت و اهداف سازندگان، بانیان و صاحبان آن آشنا شد^{۳۷}.

مسجد در دوره قاجار بازپیرایی و تعمیر شده است. زیرا در بخش فوقانی سینه اسپر ایوان اصلی مسجد و در بالای محراب در زیر کاربندی‌های گچی، کتیبه‌ای در یک کادر طاق نما شکل به خط نسخ، گچ‌بری شده که حاوی متن زیر است:



«فی سنه ۱۲۴۲ قد اتفق تعمیر هذا المسجد فی دولة السلطان الاعظم و الخاقان الافخم السلطان بن سلطان و الخاقان ابن خاقان فتحعلی شاه قاجار خلدالله الملک حین کانت فی الدولة الله وردی میرزا والی [ولایت البسطام]...»

پی‌نوشت‌ها:

۱. سهلگی درباره اقدام بایزید برای ساخت مسجد نوشته است: «در آن محله [وافدان] مسجد کوچکی بود که بایزید بدان رفت و آمد می‌کرد و به مسجد ابی الحسنان که در جوار او بود نمی‌رفت. گویند و خدای داناتر است که از این روی بود که چون می‌خواست بدان مسجد [ابی الحسنان] درآید راهش بر تازیانی بود که در پیرامون آن مسجد می‌نشستند و به احترام او بر پای می‌خاستند و این کار بر او سنگین می‌آمد. یک شب از خاترش چنان گذشت که ای کاش آن مسجد که در آن نماز می‌گزارد فراخ‌تر از این بود و خدای در دل وافد(نام عربی که قبل از تولد بایزید در محله‌ای از بسطام سکونت داشت و آن محله به اسم او معروف شد) چنان افکند که انبار گاهی که در جوار مسجد داشت ضمیمه آن مسجد کند. چون صبح شد. بایزید را از این قصه آگاه کرد و گویند شبانه او را آگاه کرد و شکیبایی نداشت که صبح شود و در صبح او را خبر کند. مسجد را گسترش داد و همان است که مسجد درونی است.» (دفتر روشنائی، ص ۱۱۱). نگارنده در مقاله‌ای به چگونگی و روند شکل‌گیری مجموعه تاریخی بسطام، اشاره کرده است. رک: بسطام پژوهی، صص ۲۶۴-۲۶۷.
۲. مجله اطلاعات حکمت و معرفت، ش ۱۱۶، ص ۵۸.
۳. معماری ایلخانی در نطنز، ص ۴۸.
۴. برای مطالعه ویژگی‌های معماری گنبد غازان خان و ایوان غربی همراه با درج تصاویری رک: ستاره‌ای پرفروغ بر کرانه خاک، صص ۱۵۹-۱۶۵.
۵. تاریخ اولجایتو، ص ۷.
۶. بسطام پژوهی، ص ۳۶.
۷. مجله وقف میراث جاویدان، ش ۳۳-۳۴، ص ۹.
۸. مجله هنر و مردم، ش ۱۲۴-۱۲۵، ص ۳۷.
۹. همان، ص ۳۸.
۱۰. وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۴۳.
۱۱. مجله گلستان هنر، ش ۱۳، ص ۶۲.
۱۲. مجله هنر و مردم، ش ۱۲۴-۱۲۵، ص ۳۷.
۱۳. وقفنامه ربع رشیدی، ص ۲۴۳.
۱۴. همان، ص ۲۴۴.
۱۵. مجله هنر اسلامی، ش ۱۸، ص ۱۱۸.
16. The court of the Il-khans 1290-1340 /50
17. the ilkhanid quran: an example form maragha. art. Sheila s. blair. journal of Islamic manuscripts 6. (2015). P175
18. Ibid. p 178
19. Ibid. p 184
20. Ibid p 190
21. Ibid p192
۲۲. مجله نقش مایه، ش ۷، ص ۹۷.
۲۳. شاهکارهای هنر ایران، ص ۱۲۰.
۲۴. همان، ص ۸۶.
۲۵. هنر و معماری اسلامی، ج ۲، ص ۵۱.
۲۶. شاهکارهای هنر ایران، ص ۸۷.
- 27- Islamic art . 2 p124
۲۸. سفرنامه ابودلف، ص ۸۴.
۲۹. همان، ص ۱۳۹، شارح جهانگشای جوینی

در معرفی روستای شغان نوشته است: «بین راه قوچان و بسطام، منزلی وجود داشته به نام شغان که سابقا شهری وسط بوده و اکنون قریه مختصری است بر سر راه جنوبی از قوچان به بسطام، مابین بجنورد و جاجرم و این قریه را اکنون شوغان می نویسند.» رک: جهانگشای جوینی، ج ۳، ص ۴۲۷.

30. Islamic art . 2 p123

۳۱. تاریخ اولجایتو، ص ۱۲۸.

۳۲. برای آگاهی از اقدامات ماستری رک: معماری ایلخانی در نطنز، صص ۲۰-۲۳.

۳۳. بسطام پژوهی، ص ۲۳۳.

۳۴. مطلع الشمس، ج ۱، ص ۴۲.

۳۵. بسطام پژوهی، ص ۱۰۳.

۳۶. همان، ص ۱۰۴، برای مطالعه بیشتر به مقاله ارزشمند دکتر محمدابراهیم زارعی، تحت عنوان «مسجد جامع بسطام از دیدگاه باستان شناختی» مراجعه کنید (بسطام پژوهی، صص ۹۵-۱۱۹).

۳۷. بسطام پژوهی، ص ۱۳۷.

منابع:

کتاب

۱. الارشارات الی معرفة الزیارات، علی بن ابوبکر هروی، مکتبه الثقافه الدینیة، ۱۴۲۳ق.
۲. تاریخ جهانگشای جوینی، عطاملک جوینی، تصحیح: محمد قزوینی، چاپ چهارم، ارغوان، ۱۳۷۰.
۳. تاریخ اولجایتو، ابوالقاسم عبدالله بن محمدقاشانی، به کوشش: مهین همبلی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
۴. تاریخ مبارک غازانی، رشیدالدین فضل الله همدانی، به اهتمام: کارل یان اوقاف گیپ، ۱۹۴۰م.
۵. دستورالجمهور، ابن خرقانی، تصحیح: ایرج افشار و محمدتقی دانش پژوه، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۸.
۶. دفتر روشنایی، ابوالفضل سهلگی، ترجمه: محمدرضا شفیعی کدکنی، سخن، ۱۳۸۴.
۷. سفرنامه ابودلف، مسعر بن مهلهل ابودلف، با تعلیقات ولادیمیر مینورسکی، ترجمه: سیدابوالفضل طباطبایی، چاپ دوم، زوار، ۱۳۵۴.
۸. شاهکارهای هنر ایران، آرتور اپهام پوپ، اقتباس و نگارش: پرویز ناتل خانلری، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ پنجم، ۱۳۳۸.

۴. مقاله «تاثیر تصوف بر ایلخانان مغول»، نویسنده: هوشنگ شکری، مجله اطلاعات و حکمت، آذر ۱۳۹۴، شماره ۱۱۶.

منابع لاتین

Books

1. Chinese ornament: the lotus and the dragon. Rawson, Jessica. British Museum Publications Ltd: London, 1984
2. Islamic art vol 2. Ernst J.Grube. New York, 1987

Article

1. maghale <<the ilkhanid quran: an example from maragha>> sheila blair, journal of Islamic manuscripts 6 (2015)pp174-195
2. maghale << on civing to shrines.cenerosity is a quality of the peopel of paradise >> sheila blair. Gifts of the Sultan; the arts of giving at the Islamic courts. Komaroff, Linda. Los Angeles County Muse-

۹. مطلع الشمس، محمدحسن خان صنیع الدوله(اعتمادالسلطنه)، انتشارات پیشگام، ۱۳۶۲.

۱۰. معماری ایلخانی در نطنز، شیلا بلر، ترجمه: ولی الله کاووسی، فرهنگستان هنر، ۱۳۸۷.

۱۱. وقفنامه ربع رشیدی، رشیدالدین فضل الله همدانی، چاپ جدید به اهتمام: حسین اسدی و فرهاد دیرنگ، انتشارات اسوه، ۱۳۹۳.
۱۲. هنر و معماری اسلامی، شیلا بلر و جانانان بلوم، ترجمه: یعقوب آژند، انتشارات سمت، چاپ سوم، ۱۳۸۸.
۱۳. نزهت القلوب، حمدالله مستوفی، تصحیح: محمد دبیر سیاقی، ۱۳۶۲.

مقاله

۱. مقاله «وقفنامه‌های قرآنی»، نویسنده: قدیر افروند، مجله وقف میراث جاویدان، بهار و تابستان ۱۳۸۰، شماره ۳۳-۳۴.
۲. مقاله «معماری و جامعه در دوره ایلخانان»، نویسنده: شیلا بلر، مترجم: مهرداد قیومی، مجله گلستان هنر، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۳.
۳. مقاله «گنجور و برنامه او (۵)»، نویسنده: محمدتقی دانش پژوه، مجله هنر و مردم، بهمن و اسفند ۱۳۵۱، شماره ۱۲۴-۱۲۵.

um of Art: Yale University
Press, c2011.

3. maghale << the lights
of sufi shirns melikin
chirvani + Islamic Art: An
Annual Dedicated to the
Art and Culture of the
Muslim World Volume II:
1987 by Ernst J.Grube

۷۴

موقوفات

معرفی چند موقوفه مجموعه تاریخی بسطام در دوره ایلخانیان